پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۳۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صص ۲۰۵-۲۲۸ (مقاله پژوهشی)

No. 33, Autumn & Winter 2023/2024

تحلیل انتقادی تفسیرهای علم گرایانه از آیه ۳۳ سوره الرحمن

محمد احمدی[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

چکیده

از علوم تجربی و دست آوردهای نوین بشری به عنوان یکی از ابزارهای وصول به مقصود آیات قرآن یاد شده است. برخی از مفسرین و محققین قرآنی با بهره گیری از دانش و فناوری‌های جدید بشری، آیه ۳۳ سوره الرحمن را ناظر به دست یابی انسان به فضا و از معجزات علمی قرآن به شمار آورده‌اند. این دیدگاه را از دو منظر می‌توان مورد مناقشه قرار داد. دقت در معنای مفردات آیه بیانگر آن است که ماده «نفوذ» در لغت به معنای «خروج» است و استعمال آن در صعود به آسمان، کابردی جدید و ناشی از یک غفلت از معنای اصلی این ماده است که تحت تاثیر دست آوردهای بشر در عرصه علوم کیهانی معاصر شکل گرفته است، چرا که در استعمالات قرآن از دو ریشه «عَرَجَ» و «صَعِدَ» برای صعود به آسمان استفاده شده است. از طرفی توجه به سیاق درونی آیه مذکور حاکی از آن است که مراد از آیه، تعجیز و نمایاندن ضعف جنیان و انسان‌ها در برابر قدرت خداوند و عدم خروج آنها از سلطه الهی است. همچنین با تأمل در آیات قبل و بعد از آیه ۳۳ سوره الرحمن و ارتباط آنها یکدیگر، روشن می‌شود که سیاق این آیات مربوط به احوالات روز قیامت و حساب رسی در آن روز است، و مراد از آیات بیان احاطه و سلطه خداوند بر جنیان و انسان‌ها است.

کلید واژه‌ها: تفسیر علمی، نفوذ در فضا، خروج از آسمان، سیاق تعجیزی.

۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم، قم، ایران؛ mohammad.ahmadi@stu.qom.ac.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

بیان مسئله

رابطه دانش بشری و تفسیر قرآن یکی از پرسش‌هایی است که اندیشه بسیاری از متفکرین مسلمان در دوران معاصر را به خود مشغول ساخته است. استفاده از علوم بشری در راه کشف مراد آیات قرآن یکی از گرایش‌های مطرح در حوزه فهم آیات الهی است.

برخی از محققان عرصه تفسیر و علوم قرآن، از دست آورده‌های دانش‌های نوین فضایی برای فهم آیاتی از قرآن کریم بهره جسته‌اند و این آیات را ناظر به علوم کیهانی جدید و دست‌یابی انسان به محیط خارج از جو زمین دانسته‌اند. این گروه از اندیشمندان قرآنی برای اثبات مدعی خود به آیاتی مانند: (الحجر، ۱۳-۵، الإنشقاق، ۱۶-۱۹، الشوری، ۲۹، الأنعام، ۱۲۵)، و دیگر آیات قرآن استناد کرده‌اند.

یکی از آیاتی که به منظور اثبات دست‌یابی بشر به کُرات و سیّارات دیگر بدان استناد شده است، آیه ۳۳ سوره مبارکه الرحمن است. از نظر برخی از پژوهشگران قرآنی، مفاد این آیه به یک پیش‌گویی علمی اشاره دارد که بشر توسط علوم تجربی آن را محقق خواهد کرد. به عبارت دیگر این گروه از محققان آیه مذکور را از معجزات علمی قرآن به شمار آورده‌اند که قرن‌ها پیش امکان سفرهای فضایی برای انسان را مطرح نموده است.

نکته‌ای که لازم است بدان اشاره شود این است که هدف از این پژوهش تحلیل و بررسی روش تفسیر علمی قرآن و یا ملاک و معیارهای آن نیست، بلکه مقصود بررسی و تحلیل خصوص آیه ۳۳ سوره الرحمن از منظر این روش تفسیری است. به عبارت دیگر تفسیر علمی ارائه شده از آیه مورد بحث، به لحاظ مفردات آیه و سیاق آیات تا چه اندازه قابل پذیرش است؟ آیا می‌توان ادعا کرد که این آیه به محقق شدن یک پیشگویی علمی که همان صعود انسان به فضا است، اشاره دارد؟ یا این‌که این آیه از حقیقتی دیگر سخن می‌گویند؟[۱]

---

۱. در این پژوهش در مورد سایر آیاتی که برای دست‌یابی انسان به فضا و سیارات دیگر بدانها استناد می‌شود سکوت شده است و نفیاً و اثباتا در مورد آنها قضاوتی صورت نمی‌گیرد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

۱- مقدمه

فهم آیات قرآن و ارائه تفسیری روشن از مفاهیم آن همواره از دغدغه‌های مفسران و قرآن پژوهان، از سال‌های نخستین نزول این کتاب آسمانی تا عصر حاضر بوده است. یک از مباحث مهم در حوزه تفسیر قرآن، منابع تفسیر و ارزش‌گذاری آنها در فهم مراد خداوند است. در طول ادوار تاریخ تفسیر قرآن، مفسران و اندیشمندان فعال در عرصه علوم قرآنی براساس مجموعه‌ای از اصول و مبانی و با اصالت بخشیدن به برخی منابع، به تفسیر آیات قرآن پرداخته‌اند. اولین منبع برای فهم کلام الهی خود قرآن شریف می‌باشد. همچنین احادیث رسول خدا ﷺ و سایر معصومین علیهم‌السلام نیز از مهم‌ترین منابع دست‌یابی به مقصود کلام الهی محسوب می‌شوند. از بحث‌های لغوی و ادبیات عرب، مباحث عقلی و کلامی، شهود و اشراقات درونی، سخنان صحابه و تابعین، منابع تاریخی و اجماع، به‌عنوان دیگر منابع تفسیر قرآن یاد شده است.

در این میان از علوم بشری اعم؛ از علوم انسانی و تجربی؛ نیز به عنوان یکی از ابزارهای فهم آیات قرآن کریم یاد شده است. این شیوه از تفسیر قرآن که در تلاش است تا از دست‌آوردهای دانش تجربی برای فهم آیات قرآن بهره جوید را تفسیر علمی قرآن می‌نامند. به عقیده برخی نخستین پیشینه مکتوب از این شیوه تفسیری را می‌توان در آثار ابن‌سینا یافت نمود (رضایی اصفهانی، ۲۳).

بر این اساس برخی از مفسران و اندیشمندان علوم قرآن با توجه به رویکرد علمی، به تفسیر آیه ۳۳ سوره الرحمن پرداخته‌اند و مفاد آیه مذکور را مرتبط با سفرهای فضایی و از معجزات علمی قرآن به شمار آورده‌اند. در این پژوهش تفسیر علمی ارائه شده از آیه مذکور مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲- پیشینه پژوهش

تا جایی که مورد جستجو قرار گرفت، تاکنون پژوهش مستقلی در این زمینه به نگارش

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

در نیامده است. در برخی کتب تفسیری معاصر در ذیل آیه ۳۳ سوره الرحمن صرفاً به دیدگاه علمی ارائه شده از این آیه، اشاره شده است و یا نهایتاً به صورت مختصر و محدود، نکاتی را در تایید یا رد این دیدگاه ذکر کرده‌اند. برخی کتبی که در زمینه تفسیر علمی از آیات قرآن نوشته شده‌اند، مانند کتاب «درآمدی بر تفسیر علمی قرآن» (رضایی اصفهانی، ۴۵۱-۴۵۳) و کتاب «التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان» (ابوحجر، ۴۲۱-۴۲۶)، نیز تفسیر علمی آیه مذکور را در شمار تفسیرهای غیرقابل قبول مطرح کرده‌اند، اما از آنجا که هدف اصلی این کتب بررسی و تحلیل اصل این رویکرد تفسیری بوده است، به صورت مبسوط و مفصل به تحلیل آیه مورد بحث نپرداخته‌اند.

لذا شایسته است آیه ۳۳ سوره الرحمن از این منظر و به صورت ویژه مورد بحث و تحلیل قرار گیرد. بدین منظور ابتدا پیشینه این دیدگاه در مورد آیه، در کتب تفسیری و اقوال محققان علوم قرآنی مطرح می‌شود و در ادامه مفردات آیه مذکور به لحاظ لغوی و استعمالات قرآنی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس همراهی یا عدم هماهنگی تفسیر علمی ارائه شده از آیه، با سیاق آیات مرتبط با آیه ۳۳ سوره الرحمن بررسی خواهد شد.

۳- پیشینه تفسیر علمی از آیه ۳۳ سوره الرحمن

یکی از مواضعی که در قرآن برای تبیین مراد خداوند، به علوم تجربی و پیشرفت‌های دانش بشری استناد شده است، آیه ۳۳ سوره الرحمن است. خداوند در این آیه می‌فرماید:

«**یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطارِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ فَانْفُذُوا لا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطانٍ**» ای گروه جنّ و انس، اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمانها و زمین به بیرون رخنه کنید، پس رخنه کنید، ولی نمی‌توانید، مگر با قدرت و تسلطی فوق‌العاده.

مفسران و محققان علوم قرآنی در معنای مقصود از آیه فوق با یکدیگر اختلاف‌نظر دارند و وجوه مختلفی را در تفسیر آن بیان کرده‌اند. برخی از این وجوه براساس قدرت فکری و توانمندی‌های علمی بشر به تفسیر آیه پرداخته‌اند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

برای نمونه آلوسی در تفسیر خود پس از ذکر اقوال مختلف در معنای آیه، مناسب‌ترین قول در تفسیر آیه را این چنین بیان می‌کند:

«اگر توانایی نفوذ در آسمان‌ها و زمین را برای دانستن آنچه در آنهاست دارید، پس نفوذ کنید تا به آنها آگاه شوید، اما نفوذ نمی‌کنید و مطلع نمی‌شوید مگر به واسطه حجتی که خداوند آن را نصیب کند، پس در آنها به کمک ذهن و افکار خود بالا روید و صعود کنید» (آلوسی، ۱۱۲/۱۴).

از بیان آلوسی این‌گونه برداشت می‌شود که انسان دارای نفوذ و سیطره علمی بر آسمان‌ها و زمین نیست، اما می‌تواند بوسیله تفکر خویش به آسمان‌ها صعود کند، به عبارت دیگر این امکان برای بشر بواسطه نوعی از سلطه که همان قدرت علمی و فکری است، وجود دارد. او این قول را به آنچه از ابن عباس در تفسیر این آیه نقل شده است نزدیک می‌داند (همانجا). به نظر می‌رسد از نظر وی ریشه‌های این پیشگویی به دوران صحابه و تابعین برمی‌گردد.

در بیان آلوسی اشاره مستقیمی به دست‌یابی انسان به ابزارهای نوین برای سلطه و نفوذ علمی در آسمان‌ها و زمین نشده است و صرفاً سخن از نوعی توانایی علمی است که با قدرت فکری و استدلال به دست می‌آید. در تفسیر نمونه نیز از این قول به عنوان یک احتمال در معنای آیه یاد شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۹/۲۳).

عبدالغنی الخطیب از قرآن پژهان معاصر عرب، مقصود از این آیات را همان سفرهای فضایی دانسته است که کیهان شناسان عصر حاضر به آن دست یافته‌اند. از نظر وی مراد از «**سُلْطان**» همان پیشرفت‌های دانش بشری در علوم فضایی و کیهانی است که توانایی سفر به کرات دیگر را برای انسان فراهم می‌سازد. همچنین وی پرتوهای کُشنده کیهانی و شهاب‌های آسمانی را که از مخاطرات سفرهای فضایی به شمار می‌روند را همان «**شُواظٌ مِنْ نارٍ وَ نُحاسٌ**» دانسته است که در آیه ۳۵ سوره الرحمن به آنها اشاره شده است.

عبد الغنی خطیب نیز مانند آلوسی سابقه این برداشت از آیه مورد بحث را به دوران

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

صحابه و قول ابن عباس می‌رساند و معتقد است که مقصود ابن عباس این است که، اگر بتوانید با ذهن و اندیشه‌تان در آسمانها نفوذ کنید، پس علم کرانه‌ها یعنی هر جهت از جهات آسمانها و زمین را خواهید دانست (الخطیب، ۲۴۶ـ۲۵۱).

برای روشن شدن انتساب این قول به ابن عباس لازم است که عین کلام او نقل شده و سپس برداشت‌هایی که از این کلام شده است را مورد بررسی قرار داد. در تفسیر طبری از ابن عباس در ذیل آیه ۳۳ سوره الرحمن چنین نقل شده است:

«إن استطعتم أن تعلموا ما فی السموات و الأرض فاعلموه، لن تعلموه إلا بسلطان، یعنی البینة من الله جل ثناؤه.» (طبری، ۸۰/۲۷)

تفسیر مجمع البیان نیز مشابه همین قول با اندکی تفاوت نقل نموده که در آن منظور از «**سُلْطان**» حجت و بیانی است که از سوی خداوند باشد (طبرسی، ۳۱۰/۹).

با توجه به آنچه از ابن عباس نقل شده است می‌توان گفت که برداشت آلوسی و عبدالغنی از کلام او صحیح نیست. صرف‌نظر از صحت انتساب این قول به ابن‌عباس و همچنین صحت معنایی که او برای آیه بیان نموده است، باید گفت که در کلام ابن‌عباس هیچ دلالت و حتی اشاره‌ای که ناظر به پیشگویی از آینده باشد وجود ندارد، چرا که در کلام او مقصود از سلطان مشخص شده است، و آن دلیل و بیانی است که خداوند بشر را به آن آگاه می‌کند، نه این که انسان به کمک قدرت ذهنی و فکری خویش و توانایی‌هایی که علوم تجربی و ابزارهای پیشرفته برایش مهیّا می‌سازد، به اکتشاف در آسمان و زمین و شناخت آنها نائل می‌شود. به عبارت دیگر اگر خداوند این بیان و حجت را به انسان رسانید، از حقایق و اسرار آسمان‌ها و زمین مطلع خواهد شد، در غیر این صورت دست‌یابی به رموز آنها برای انسان ممکن نخواهد بود، لذا تفسیر سلطان و حجت الهی در کلام ابن عباس به توانایی علمی و فکری، تحمیل بر کلام وی است.

الخطیب همچنین وجه چهارمی را که فخر رازی در تفسیر «**لا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطانٍ**» ذکر کرده است را بیانگر اشاره او به مسئله توانایی بشر در سفر به دیگر کرات دانسته که در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

آینده محقق خواهد شد (الخطیب، ۲۵۲). در حالی که فخر رازی صراحتاً این آیه را ناظر به عالم آخرت می‌داند (فخر رازی، ۳۶۱/۲۹)، و مقصود او در وجه چهارمی که ذکر می‌کند، بیانیست برای اثبات توحید، به این معنا که نشانه‌های وحدانیت خداوند چه در آسمان‌ها و زمین و چه در عوالم خارج آنها به وضوح قابل مشاهد است (همانجا، ص۳۶۲).

الخطیب کوشیده است تا سابقه برداشت‌های علمی مطابق با علوم روز از آیه مورد نظر را به اقوال و آراء صحابه و مفسران قرون گذشته برساند تا نشان دهد آنان با وجود آگاهی نداشتن از آینده و دست‌یابی بشر به دانش و ابزاری که او را به خارج از سیاره زمین می‌برند، این برداشت را به عنوان یک احتمال موجه در معنای آیه مطرح کرده‌اند. صرف نظر از این که چنین مواجهه و فهمی از این آیه می‌تواند صحیح باشد یا خیر، باید گفت که این تلاش، کوششی عقیم است و همان‌طور که نشان داده شد، برداشت الخطیب از آراء مفسران پیشین تحت تاثیر علوم جدید و از باب تحمیل و تطبیق بر نظرات این مفسران است. البته او سایر اقوال مطرح شده در مورد آیه را به عنوان یک احتمال می‌پذیرد اما منحصر کردن آیه در یک معنا خاص را به دلیل گستره معانی قرآن، ترجیح بلامرجح می‌داند (الخطیب، ۲۵۴).

یکی دیگر قرآن پژوهان معاصر عرب به نام عدنان شریف نیز آیه ۳۳ سوره الرحمن را با همین رویکرد علمی تفسیر نموده است و نه تنها مقصود از «سلطان» را توانایی علمی بشر در راه‌یابی به فضا و اعماق زمین می‌داند، بلکه مصداق این سلطه علمی را نیز بیان کرده است. او در کتاب خویش که پیرامون علم کیهان‌شناسی در قرآن است، در زیر عکسی از یک موشک فضایی چنین می‌نویسد:

«تصویری از موشک ساتورن ۵ و این همان سلطانی است که انسان به کمک آن به آسمان‌ها نفوذ کرد و از سطح زمین به سطح کره ماه منتقل شد» (شریف، ۱۲۴).

همچنین از نظر وی رسیدن انسان به اعماق اقیانوس‌ها و عمق چند ده کیلومتری زمین نیز تحقق پیشگویی قرآن از نفوذ انسان به اقطار زمین است. عدنان شریف نیز مانند

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

عبدالغنی خطراتی که در سفرهای فضایی پدید می‌آید و مواد مشتعل و سوزانی که آتشفشان‌ها از اعماق زمین به خارج پرتاب می‌کنند را مصداق «شُواظٌ مِنْ نارٍ وَ نُحاسٌ» می‌داند. او نیز مانند الخطیب، سایر وجوهی که دیگر مفسرین در تفسیر آیه بیان کرده‌اند را رد نمی‌نماید، بلکه پیشگویی قرآن از دست‌یابی انسان به آسمان و اعماق زمین را وجه دیگری در معنای آیه بر می‌شمارد (همانجا، ۱۲۵ـ۱۲۶).

عبد الرزاق نوفل از دیگر محققان عرصه علوم قرآنی نیز، براین عقیده است که قرآن ۱۴ قرن پیش، انسان را به مطالعه و بررسی آسمانِ خارج از جو زمین از طریق سفرهای فضایی دعوت کرده است، و اگر این دعوت قرآنی توسط مسلمانان استجابت می‌شد هم اکنون آنان در علوم فضایی پیشتاز و سرآمد بودند. او پیشرفت‌های علمی و امکانات مادی را همان سلطه‌ای می‌داند که در آیه به آن اشاره شده است. وی همچنین گدازه‌های سوزانی که در فضا وجود دارند را از موانع این دستاورد علمی برمی‌شمارد، که آیه ۳۵ سوره الرحمن مطرح نموده است. نوفل در ادامه تاکید می‌کند که مفاد این آیات مربوط به دنیا و ناظر به پیشرفت‌های علوم فضایی است و مرتبط بودن آنها را با عالم آخرت و روز حساب را نمی‌پذیرد (نوفل، ۲۱۷-۲۱۹).

در بین مفسیرین شیعه نیز صاحب تفسیر ترجمان فرقان بر این باور است که براساس این آیه سفرهای کیهانی تا اندزه‌ای بر ای جن و انس امکان‌پذیر است (صادقی تهرانی، ۱۹۳/۵).

صاحب تفسیر مخزن العرفان نیز مقصود از «أَقْطارِ السَّماواتِ» را کرات و سیارات دیگر می‌داند واین آیه را از معجزات علمی و پیشگویی‌های قرآن برمی شمرد. از نظر وی توجیهاتی که سایر مفسرین در معنای آیه کرده‌اند به این دلیل بوده است که در نظر آنها رفتن به کرات دیگر محال می‌نموده است، لذا این توجیهات نمی‌تواند صحیح باشد (مجتهده امین، ۲۸/۱۳). او پس از ذکر اقوال دیگر در معنای آیه دیدگاه خود اینچنین بیان می‌کند:

«چون این زمان که می‌بینیم اروپائیها که بقدرت علم و اختراع وسائل و اسبابی فراهم نموده‌اند و در شرف عروج به اطراف آسمانها و کرات می‌باشند معنی ظاهر آیه بخوبی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

نمایان می‌گردد، دیگر محتاج به این توجیهات نیستیم» (همانجا، ۲۹).

تفسیر نمونه نیز اشاره آیه به سفرهای فضایی که بواسطه سلطه علمی و صنعتی برای بشر امکان‌پذیر می‌شود را، به عنوان یک احتمال مطرح کرده است، اما مرتبط بودن آیه با احوالات قیامت را مناسب‌تر می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۴۹/۲۳).

آنچه گذشت اجمالی بود از دیدگاه‌هایی که در ذیل آیات ۳۳ سوره مبارکه الرحمن مطرح شده‌اند و مفاد این آیه را ناظر به دست آوردهای بشری در حوزه علوم فضایی و راه‌یابی انسان به خارج از جو زمین، تفسیر نموده‌اند. در ادامه به بررسی و نقد این دیدگاه‌ها پراحته می‌شود.

٤- برداشت‌های علم گرایانه از آیه ۳۳ سوره الرحمن در ترازوی نقد

همان‌طور که گذشت برخی مفسرین و قرآن پژوهان معاصر با استناد به آیه ۳۳ سوره مبارکه الرحمن، دست‌یابی انسان به فضا را با استفاده از پیشرفت‌های علمی و فناوری‌های نوین، ممکن دانسته‌اند. از نظر آنان این آیه در حقیقت از معجزات علمی قرآن به شمار می‌آید، چرا که از یک واقعیت مادی خارجی که توسط علوم جدید کشف خواهد شد، خبر می‌دهد و به نوعی آیه در مقام پیشگویی آینده است.

این دیدگاه را از دو منظر می‌توان مورد مناقشه قرار داد. ابتدا باید آنچه مستقلاً از فهم آیه بدست می‌آید را از منظر الفاظ و مفردات آن و فضای سخن در خود آیه و با قطع نظر از سیاق و ارتباط با آیات ماقبل و مابعد، بررسی نمود، و در مرحله بعد باید با توجه به سیاقی که این آیه بواسطه ارتباط با آیات دیگر این سوره در آن قرار گرفته است، به فهم مراد خداوند از این آیات پرداخت.

٤-١. مراد آیه با قطع نظر از سیاق

اما از منظر الفاظ آیه و بدون در نظر گرفتن سیاق باید گفت که آنچه از آیه بدست

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

می‌آید با ادعای مطرح شده هماهنگ نیست و می‌توان در این زمینه به مواردی اشاره نمود.

۴-۱-۱. فهم دقیق ریشه «نَفَذَ» در برداشت صحیح از آیه مورد بحث بسیار کلیدی است، لذا شایسته است که بررسی همه جانبه‌ای در معنای این ریشه در کتب لغت صورت پذیرد. واژه «نَفَذَ» که در قرآن تنها در همین آیه بکار رفته است، از مصدر «نُفوذ» یا «نَفاذ» است (جوهری۵۷۲/۲ ؛ ابن درید،۶۹۹/۲)، و در آیه ۳۳ سوره الرحمن سه واژه «تَنْفُذُوا» «اُنْفُذُوا» «لا تَنْفُذُونَ» از این ریشه مشتق شده است. تامل در معنای این واژه کمک شایانی به فهم آیه می‌نماید. خلیل در معنای «نَفَذَ» می‌نویسد: نفاذ به معنای گذشتن و خلاص شدن ازچیزی است (فراهیدی، ۱۸۲۱/۳). جوهری نیز همین معنا را با بیانی روشن تر ذکر کرده است: تیر از هدف گذشت (جوهری، ۵۷۱). نزدیک به این معنا در مقاییس الغه نیز بیان شده است (ابن فارس، ۵/ ۴۵۸). مصباح المنیر «نَفَذَ» را این گونه معنا می‌کند: نَفَذَ: السَّهْمُ خَرَقَ الرَّمِيَّةَ وَ خَرَجَ مِنْهَا (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص۶۱۶)؛ تیر هدف را پاره کرد و از آن خارج شد. مشابه این معنا را مجمع البحرین نیز ذکر کرده است.(طریحی، ۱۹۱/۳). کاملترین معنا که به نوعی جامع هر آنچه تا کنون گفته شده است را فیروز آبادی در قاموس اینچنین بیان می‌کند:

النَّفاذُ: جوازُ الشیءِ عن الشیءِ، و الخُلوصُ منه، کالنُّفوذِ، و مخالَطَةُ السَّهْمِ جَوْفَ الرَّمِيَّةِ، و خُروجُ طَرَفِه من الشِّقِّ الآخَرِ و سائِرُه فیه (فیروز آبادی، ۵۰۰/۱).

نفاذ همانند نفوذ به معنای گذشتن چیزی از چیزی و خلاص شدن از آن است، و نیز به معنای گذشتن تیر از میان هدف و خارج شدن بخشی از تیر از سمت دیگر هدف است به طوری که بخشی از تیر در هدف باقی باشد.

مشابه آنچه فیروز آبادی در معنای «نَفَذَ» بیان کرده است، در المحکم و لسان العرب نیز نقل شده است. (ابن سیده، ۷۷/۱۰؛ ابن‌منظور، ۳/ ۵۱۴). طریحی در مجمع البحرین در ذیل ماده «نَفَذَ»، آیه ۳۳ سوره الرحمن را به عنوان شاهد ذکر می‌کند و معنای آیه را این‌گونه توضیح می‌دهد:

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

المعنی أیها الثقلان إن استطعتم أن تهربوا من قضائی و تخرجوا من أرضی و سمائی فافعلوا، ثم قال لا تقدرون علی النفوذ من نواحیها إلا بسلطان أی بقهر و قوة و غلبة و أنی لکم ذلک (طریحی، ۱۹۱/۳).

معنای آیه این است که ای گروه جن و انس اگر می‌توانید از قضای من بگریزید و از آسمان و زمین من خارج شوید، این کار را انجام دهید، سپس می‌فرماید توانایی این‌که به اطراف آسمان و زمین نفوذ کنید و از آنها خارج شوید را ندارید، مگر به واسطه یک سلطان که همان توانایی، نیرو و غلبه است، واز کجا برای شما چنین چیزی هست؟

با توجه معناشناسی صورت گرفته از کتب اصیل لغت درباره ریشه «نَفَذَ» می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که این ماده صرفاً به معنای ورود و داخل شدن چیزی در شئ دیگر نیست، بلکه این ریشه، به نحوه‌ای از گذشتن و خروج از شئ دلالت دارد به طوری که اگر از این نکته غفلت شود، معنای دقیقی از این ماده برداشت نشده است. البته هر خروجی مستلزم ورود نیز هست، اما نکته کلیدی در فهم این ریشه لحاظ معنای خروج و گذشتن در آن است.

همچنین دقت در معنای «أقطار» نیز سبب می‌شود تا معنای روشن تری از آیه به دست آید. «أقطار» جمع «قُطْر» است که در کتب لغت اینچنین معنا شده است: القُطْرُ بالضمّ: الناحیةُ و الجانبُ، و الجمعُ الأَقْطَار: الجوانب (جوهری، ۷۹۵/۲؛ ابن فارس، ۱۰۵/۵؛ ابن سیده، ۲۶۶/۶)؛ «قُطْر» به معنای گوشه و جنب است. در نتیجه «أقطار» به معنای اطراف و گوشه‌ها و یا به تعبیر دیگر حدود و کرانه‌های یک چیز است. در سوره احزاب نیز این واژه با همین معنا بکار رفته است (راغب، ۶۷۷):

«وَ لَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطارِها ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْها وَ ما تَلَبَّثُوا بِها إِلَّا يَسِيرا» (الأحزاب، ۱۴)

آنها چنان بودند که اگر از اطرافِ مدینه مورد هجوم واقع می‌شدند و آن‌گاه آنان را به ارتداد می‌خواندند، قطعاً آن را می‌پذیرفتند و جز اندکی در این کار درنگ نمی‌کردند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

بر این اساس باید گفت که نفوذ در اقطار آسمان‌ها و زمین به معنای خروج از اطراف و گوشه‌های آنهاست، به گونه‌ای که از حدود و کرانه‌های آنها گذر شود.

بررسی تفاسیر در ذیل این آیه بیانگر آن است که مفسرین فرقین نیز ظرافت معنایی ریشه «نَفَذَ» را مد نظر قرار داده‌اند و نفوذ در آسمان‌ها و زمین را به معنای خروج از کرانه‌های آنها تفسیر نموده‌اند. برای نمونه طبری و قرطبی در تفاسیر خود معنای «نفوذ» را از قول ابن عباس اینچنین نقل می‌کنند: «یعنی از سلطنت من خارج نمی‌شوید» (طبری، ۸۰/۲۷ ؛ قرطبی، ۱۷۰/۱۷).

زمخشری و بیضاوی نیز در ذیل این آیه بیانی مشابه آنچه از مجمع‌البحرین نقل شد را ذکر کرده‌اند. (زمخشری، ۴۴۸/۴؛ بیضاوی، ۱۷۳/۵). فخررازی نیز در تفسیر آیه مذکور می‌نویسد:

«مورد غفلت واقع نمی‌شوید و توانایی خروج از آسمان‌ها و زمین را ندارید، و اگر خروج شما از آنها ممکن بود، باز هم از ملک خداوند خارج نشده‌اید و او شما را خواهد گرفت هر کجا که باشید و هرگونه که باشید» (فخررازی، ۳۶۱/۲۹).

در بین مفسران شیعه نیز توجه به این نکته به چشم می‌خورد. صاحب تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه ۳۳ الرحمن می‌نویسد:

«**یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا**» یعنی: خارج شوید ... گفته می‌شود «نفذ الشیء من الشیء» هنگامی که از آن خلاص شود، مانند تیر که از هدف می‌گذرد ... «فَانْفُذُوا» یعنی: پس خارج شوید ... «لا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطانٍ» یعنی: هر کجا روی آورید پس آنجا ملک من است و از سلطنت من خارج نمی‌شوید (طبرسی، ۳۱۰/۹).

در بیان مرحوم طبرسی عنایت به معنای لغوی کاملا مراعات شده است. همچنین در تفاسیری مانند روح الجنان، الصافی، بیان السعاده، المیزان و اغلب کتب تفسیری مهم شیعه نیز «نفوذ» در آسمانها و زمین به معنای خروج از آنها آمده است (ابوالفتوح رازی، ۲۶۵/۱۸؛ فیض کاشانی، ۱۱۱/۵؛ سلطان علی‌شاه، ۱۳۴/۴؛ طباطبایی، ۱۹/ ۱۰۶).

از طرفی در زبان عرب برای بالا رفتن و وصول به آسمان یا هر مکان مرتفع مادی و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

غیر مادی، از ریشه‌های «عَرَجَ» و «صَعِدَ» استفاده می‌شود. کاربردهای این دو ماده هر گاه به منظور رسیدن به درجه یا مکانی بالا باشد، یکسان است، چنانکه در تعریف ریشه «عَرَجَ» این‌گونه آمده است: عَرَجَ یعرُجُ عُرُوجا، أی: صَعِدَ. و المَعْرَج: المَصْعَد؛ (فراهیدی، ۱/ ۲۲۳). در معجم مقاییس اللغه و النهایه نیز از مشتقات «صَعِدَ» برای تعریف ماده «عَرَجَ» استفاده است (ابن فارس، ۴/ ۳۰۴؛ ابن اثیر، ۳/ ۲۰۳). این ماده هم در امور مادی و هم در امور معنوی به کار برده می‌شود: عَرَجَ فی الدَرَجة و السُلَّم یَعْرُج عُروجاً؛ در رتبه و نردبان بالا رفت (جوهری، ۳۲۸/۱). همچنین ریشه «صَعِدَ» نیز در امور مادی و معنوی به کار می‌رود: صَعِدَ فِی السُّلَّمِ و الدَّرَجَةِ، یَصْعَدُ، صُعُوداً؛ (فیومی، ۳۳۹/۱).

در استعمالات قرآنی نیز برای بیان مفهوم بالا رفتن و صعود در آسمان از ماده «عَرَجَ» استفاده شده است:

«وَ لَوْ فَتَحْنا عَلَيْهِمْ باباً مِنَ السَّماءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُون» (الحجر، ۱۴).

«يَعْلَمُ ما يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ ما يَخْرُجُ مِنْها وَ ما يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما يَعْرُجُ فِيها وَ هُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُور» (سبأ، ۲).

ریشه «صَعِدَ» نیز در قرآن برای بیان مفهوم بالا رفتن و صعود در امور معنوی به کار رفته است (فاطر، ۱۰). در روایات از این ماده برای صعود در آسمان نیز استفاده شده است (قمی، ۸/۲؛ کلینی، ۴۳۰/۴؛ ۵/ ۳۰۸؛ ۵۱۰/۱۵؛ ...).

ممکن است گفته شود مراد از «نفوذ» در آیه ۳۳ سوره الرحمن همان «صعود» یا «عروج» است، در این صورت مفاد آیه با تفسیر علمی ادعا شده سازگار است. اما این سخن صحیح نیست، چرا که کاربرد «صعود» و «عروج» از نظر لغت و استعمالات قرآنی با حرف «فی» یا «الی» است، حال آن که در این آیه «نفوذ» با حرف «من» به کار رفته است و اگر مقصود آیه از «نفود»، صعود در آسمان بود باید به جای حرف «من»، حرف «فی» یا «الی» به کار می‌رفت تا بتوان معنای صعود یا عروج را در ریشه «نفوذ» اشراب کرد.

حاصل آنچه تا کنون گفته شد این است که، به‌نظر می‌رسد استعمال ماده «نفوذ» در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

ورود و صعود به فضا، کاربردی جدید و معاصر است که ناشی از یک سوء برداشت از این ریشه و تحت تاثیر استعمالات صده اخیر و اکتشافات عرصه علوم کیهانی شکل گرفته است، چرا که این کاربرد نه از جهت لغوی و نه به لحاظ قرآنی صحیح نیست. بر این اساس تعبیر نفوذ در آسمان را زمانی می‌توان بر سفرهای فضایی تطبیق کرد که بشر بتواند از محدوده آسمان ها خارج شود و به عوالم دیگر راه یابد، در حالی‌که انسان علی الرغم ساخت فضا پیماهای نوین و پیشرفت‌هایی که در این زمینه داشته است، در عبور از آسمان دنیا نیز عاجز بوده است و نهایت مسافتی که توانسته است بدان دست یابد سفر به کره ماه است، که خود قمر سیاره زمین محسوب می شود. به عبارت دیگر آیا می‌توان گفت که فضا نوردان در هنگام صعود به آسمان از حدود و اطراف آن گذر کرده و در آن رخنه ایجاد می‌کنند؟ الفندی از پژوهشگران قرآنی معاصر در کتاب خویش در همین زمینه می‌نویسد:

اما معنای رسیدن به کره ماه، مریخ و زهره، به هیچ عنوان خروج از اطراف آسمان‌ها نیست، چرا که ما دانستیم امتداد هستی و وسعت آسمان‌ها به بیش از هزاران ملیون سال نوری می‌رسد (الفندی، ۱۲۶).

۴-۱-۲. مناقشه دیگری نیز در این که مقصود از «**سُلْطان**» دست یابی انسان به دانش صعود در آسمان‌ها و فناوری ساخت فضا پیما است، قابل طرح می‌باشد. بر اساس آیات قرآن جنیان توانایی صعود به آسمان و حرکت در آن را دارا بوده‌اند (صافات: ۶-۱۰؛ حجر، ۱۷،۱۸؛ جن، ۸، ۹). طبق روایاتی که در کتب فرقین آمده است بعد از تولد نبی اکرمﷺ، جنیان از رفتن به آسمان منع می‌شوند (قمی، ۳۷۴/۱؛ صدوق، ۲۸۵؛ سیوطی، ۲۷۳/۶)، زیرا آنها در آسمان مخفیانه به شنیدن اخبار مبادرت می‌ورزیدند. قرآن این واقعه را از زبان یکی از جنیان این‌گونه بیان می‌نماید:

«**وَ أَنَّا لَمَسْنَا السَّماءَ فَوَجَدْناها مُلِئَتْ حَرَساً شَدِيداً وَ شُهُباً / وَ أَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْها مَقاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهاباً رَصَداً**» (الجن، ۸،۹)

و ما بر آسمان دست یافتیم و آن را پر از نگهبانان توانا و تیرهای شهاب یافتیم. ما

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

پیش از این به استراق سمع در آسمانها می‌نشستیم، امّا اکنون هر کس بخواهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می‌یابد.

صرف‌نظر از این که مقصود از شهاب و کیفیت رانده شدن شیاطین توسط آنها به چه صورت است[۱]، می‌توان بر طبق ظاهر آیات قرآن اجمالاً پذیرفت که رفت و آمد جنیان به آسمان در برهه‌ای از زمان ممکن بوده است. بر این اساس و با توجه به آیه ۳۳ سوره الرحمن که خطاب در آن متوجه جن و انس است، مردا از «**سُلْطان**» نمی‌تواند فضا پیماهای امروزی باشد، چرا که جنیان پیش از ساخته شدن چنین فناوری‌های نوینی به آسمان‌ها دسترسی داشته‌اند و اساساً برای سیر در آسمان نیازی به چنین ابزاری ندارند. از طرفی اگر منظور از «**سُلْطان**» موشک‌ها فضایی باشد، باید ملتزم شد که در عصر حاضر، جنیان نیز بوسیله آنها قادر به صعود در آسمان هستند، در حالی که احدی از طرفداران این دیدگاه به چنین چیزی ملتزم نخواهند شد. صاحب تفسیر اضواء البیان در ذیل آیات سوره حجر که از استراق سمع شیاطین سخن به میان آمده است، وجوهی را در ردّ این ادعا که آیه ۳۳ سوره الرحمن ناظر به تحقق یک پیشگویی علمی است مطرح کرده و در تایید نکته اشاره شده می‌نویسد:

«جنیان توانایی رسیدن به آسمان را بدون نیاز به موشک و ماهوره‌برها فضایی دارند، پس اگر معنای آیه همانی باشد که عده‌ای ناآگاه از علم کتاب الهی گمان کرده‌اند، خداوند متعال نباید جنیان را مورد خطاب قرار می‌داد زیرا آنها قبل اختراع چنین فناوری‌هایی به آسمان دسترسی داشته‌اند» (شنقیطی، ۹۵/۳).

۴-۱-۳. مسئله دیگری که در رابطه با این آیه شریفه قابل ذکر است، آن است که سیاق

---

۱. در مورد کیفیت رانده شدن شیاطین توسط شهاب‌های آسمانی چند دیدگاه وجود دارد، برخی ظاهر الفاظ آیات را پذیرفته‌اند و عوامل این واقعه اعم از ملائکه و شیاطین را بر معانی مادی حمل کرده‌اند (فخررازی، ج۲۶، ص۳۱۹-۳۲۰؛ آلوسی، ج۷، ص۲۷۰-۲۷۱)، بعضی دیگر این آیات را از باب تشبیه معقول به محسوس دانسته‌اند که و مفاد آنها ناظر به عالم معنا است (طباطبایی، ج۱۷، ص۱۲۴-۱۲۵)، برخی دیگر از مفسرین نظری میانه را برگزیده‌اند به این معنا که در این قول هم تجرد ملائکه لحاظ می‌شود و هم سایر تعبیرات بر معانی ظاهریشان حمل می‌شود (مصباح، ص۳۱۱-۳۱۴).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

درونی این آیه مشابه آیه ۸۸ سوره اسراء می‌باشد. خداوند در سوره اسراء جن و انس را به تحدی در آوردن همانند قرآن فرامی‌خواند:

«قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هذَا الْقُرْآنِ لا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً» (الإسرا، ۸۸)

این آیه در سیاق تحدی بیانگر عجز انسان‌ها و جنیان است و از این جهت با آیه ۳۳ سوره الرحمن تشابه دارد، زیرا همان‌طور که آوردن همانند قرآن امری غیرممکن است، خروج از اطراف آسمان‌ها و زمین نیز برای جن و انس محال خواهد بود.

باید توجه داشت که استثناء را زمانی می‌توان حقیقی دانست که مستثنی منه امری ممکن باشد، پس اگر مستثنی منه از اموری باشد که اساساً متعلق قدرت انسان قرار نمی‌گیرد، لذا استثناء حقیقی نخواهد بود. در این آیه نیز خروج از محدوده آسمان‌ها و زمین اساساً از حیطه قدرت بشر خارج است، در نتیجه استثناء ذکر شده در آیه را باید در سیاق تحدی معنا نمود. در واقع این استثناء بیانگر ضعف و عجز دو گروه جن و انس در خروج از آسمان‌ها و زمین است. به عبارت دیگر استثناء مذکور اشعار دهنده به جمله‌ای مقدّر است. جملاتی مانند: و چگونه برای شما چنین سلطه و قدرتی وجود دارد؛ در حالی که شما چنین تسلط و نیرویی ندارید، و سایر جملاتی که در سیاق تحدی و تعجیز با معنای آیه هماهنگ باشند. نزدیک به همین بیان را برخی مفسرین در معنای «إِلَّا بِسُلْطانٍ» ذکر کرده‌اند:

«إِلَّا بِسُلْطانٍ یعنی به کمک توانایی، نیرو و غلبه، و از کجا برای شما چنین قدرتی وجود دارد؟» (زمخشری، ۴۴۹/۴؛ بیضاوی، ۱۷۳/۵؛ فیض کاشانی، ۱۱۱/۵).

صاحب تفسیر من وحی القرآن نیز حمل آیه بر صعود انسان به فضا را توهّمی ناشی از عدم دقت در سیاق آیه می‌داند و در توضیح استثنای موجود در آیه می‌نویسد:

«اما استثنای سلطان، ظاهر آن است که سیاقش سیاق تحدی است برای بیان عدم وجود قدرت از سوی جن و انس بر خروج از ملک و سلطه الهی» (فضل الله، ۳۱۷/۲۱).

درباره علت اختلاف در تقدّم و تأخّر جن و انس در این دو آیه (آیه ۸۸ سوره الإسراء

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

و آیه ۳۳ سوره الرحمن) برخی مفسرین گفته‌اند که انسان در آوردن مثل قرآن نسبت به جن شایسته‌تر است، اگر ممکن باشد، اما جنیان از توانایی بیشتری نسبت به انسان برای نفوذ در اطراف آسمان‌ها برخوردار هستند، اگر ممکن باشد (فخررازی، ۳۶۲/۲۹). این بیان با سیاق تحدی و تعجیز در این دو آیه نیز سازگار است، زیرا گروهی که به ظاهر گمان می‌رود که قدرت بیشتری در نقض کلام الهی دارد، مقدم شده است تا عجز آنان نمایانتر شود.

۴-۱-۴. نکته دیگری که از آیه مورد بحث در سوره الرحمن قابل استفاده است این است که اگر مراد از آیه ۳۳ اشاره به پیشرفت‌های بشری و رسیدن انسان به فضا باشد، این معنا با آیه ۳۵ هماهنگ نیست، زیرا اگر از باب جدل بپذیریم که امکان سفر به فضا بر اساس آیه ۳۳ وجود دارد، آیه ۳۵ صراحتاً این امر را غیرممکن می‌داند، «**فَلا تَنْتَصِران**»؛ چرا که خطاب به گروه جن و انس می‌فرماید نمی‌توانید از مخاطرات این سفر در امان باشید و یکدیگر را یاری رسانید.

در واقع آیه ۳۵ تکمیل‌کننده سیاق تحدی و تعجیزی است که در آیه ۳۳ بدان اشاره شد و این سیاق با امکان سفرهای فضایی بشر ناسازگار است (ابوحجر، ۴۲۴).

۵- مراد آیات با توجه به سیاق (ارتباط آیات سوره با هم)

آنچه که تا کنون گفته شد براساس الفاظ و مفردات آیه ۳۳ سوره الرحمن و بدون در نظر گرفتن سیاق آیات ماقبل و مابعد و ارتباط آنها با آیه ۳۳ بود. اما تأمل در سیاق آیاتی که با بحث مرتبط هستند، موجب می‌شود تا مراد از آیه مد نظر نیز روشن گردد.

سوره الرحمن را با توجه به سیاق آیاتی که با یکدیگر هماهنگ هستند می‌توان به دو بخش کلی تقسم نمود. آیات ابتدایی این سوره تا آیه ۳۰ مربوط به دنیا و توصیف نعمت‌هایی است که خداوند متعال به مخلوقاتش اعطاء نموده است. در بخش دوم که با آیه ۳۱ شروع می‌شود و تا پایان سوره ادامه دارد، سرای آخرت و ویژگی‌های آن توصیف و تصویر شده است. در همین بخش، آیات ۳۱ تا ۳۷ مربوط به احوالات روز قیامت است و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

در ادامه، حسابرسی در آن روز و سرنوشت و جایگاه جهنمیان و بهشتیان بیان شده است.

با این توضیحات آیه ۳۳ را باید در سیاق روز قیامت و در ارتباط با آیات قبل و بعد از آن معنا نمود، در غیر این صورت مقصود از آیه به خوبی روشن نخواهد شد. در ابتدای این بخش سخن از آن است که به زودی پرونده دو گروه جنیان و انسان‌ها رسیدگی خواهد شد، و مشخص است که بررسی اعمال بندگان از مختصات روز حساب است «**سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلان**» (الرحمن، ۳۱). در ادامه با لحنی که بیانگر تحّدی و تعجیز در برابر این دو گروه است به آنان هشدار می‌دهد که قدرت خارج شدن از سلطنت پرودگار و فرار از دادگاه عدل الهی را در آن روز ندارید. علامه طباطبایی در ذیل آیه ۳۳ می‌نویسد: «این آیه چنانکه از سیاق استفاده می‌شود از خطابات روز قیامت است و خطاب در این آیه تعجیزی است. و مراد از توانایی نفوذ در اطراف آسمان‌ها، فرار است. و معنا این است که اگر می‌توانید با نفوذ در اطراف آسمان‌ها و زمین از ملک الهی خارج شوید و از مؤاخذه پروردگار فرار کنید، پس فرار کنید و خارج شوید. و قول خداوند «**لا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطانٍ**»؛ یعنی قادر بر نفوذ نخواهید بود، مگر با نوعی سلطه که شما فاقد آن هستید. و منظور از سلطان، قدرت وجودی است» (طباطبایی، ۱۰۶/۱۹).

همچنین وی قول به این که مراد آیه، نفوذ علمی در آسمان‌ها و زمین باشد را به دلیل هماهنگ نبودن با سیاق آیات نمی‌پذیرد (همانجا، ۱۰۷).

از دیگر کتب تفسیری که سیاق این آیه را تعجیزی و مربوط به قیامت دانسته‌اند، می‌توان به تفسیر التبیان، مفاتیح الغیب و الجلالین اشاره کرد (طوسی، ۴۷۴/۹؛ فخررازی، ۳۶۲/۲۹؛ سیوطی، ۵۳۷).

برخی گفته‌اند که مراد از آیه، به دلیل جمله «**مِنْ أَقْطارِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ**» که زمین را مقارن آسمان آورده است، آسمان و زمین دنیا است، زیرا به استناد آیات قرآن در قیامت آسمان و زمین دگرگون شده و از بین می‌روند (ابراهیم، ۴۸؛ الأنبیاء، ۱۰۴)، لذا مقصود از آیه نمی‌تواند قیامت و حسابرسی در آن روز باشد (الخطیب، ۲۵۰؛ نوفل، ۲۱۹).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

حق آن است که از مقارن آمدن آسمان و زمین و تحوّل آنها در روز قیامت نمی‌توان برداشت نمود که آیه ناظر به دنیا و رسیدن انسان فضا باشد، چنانکه این مقارنت در آیه ۲۲ سوره عنکبوت نیز آمده است، در حالی که این آیه مربوط به قیامت است:

«وَ ما أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَ لا فِي السَّماءِ وَ ما لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لا نَصِيرٍ» (عنکبوت، ۲۲)

و شما نه در زمین و نه در آسمان درمانده‌کننده او نیستید، و جز خدا برای شما یار و یاوری نیست.

به عبارت دیگر ذکر آسمان و زمین در این دو آیه به منظور نشان دان قدرت و سلطه الهی در قیامت و بیان عجز انسان در آن روز است و از این جهت هر دو آیه دارای سیاقی تعجیزی هستند. زمخشری نیز این دو آیه را از این جهت همسو می‌داند (زمخشری، ۴۴۹/۴). از نظر علامه طباطبایی نیز آیه ۲۲ سوره عنکبوت توصیفی از شأن گناهکاران در روز قیامت است. وی این آیه را جاری مجرای آیه ۳۳ سوره الرحمن می‌داند:

فقوله: «وَ ما أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَ لا فِي السَّماء» أی أنکم لا تقدرون أن تُعجِزُوه تعالی یومئذ بالفوت منه و الخروجِ من حکمه و سلطانه بالفرار و الخروجِ من ملکه و النفوذ من أقطار الأرض و السماء، فالآیهٔ تجری مجری قوله: «یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطارِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ فَانْفُذُوا» (طباطبایی، ۱۱۸/۱۶).

قول خداوند «وَ ما أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَ لا فِي السَّماءِ» یعنی شما نمی‌توانید در آن روز او را عاجز سازید و خود را از او پنهان کنید فرار نموده و از حکومت و سلطنتش و اطراف آسمان‌ها و زمین خارج شوید، پس این آیه جاری مجرای آیه «**یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطارِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ فَانْفُذُوا**» است.

برخی مفسران نیز با تاکید بر این‌که سیاق آیه تعجیزی و مربوط به روز قیامت است، علت مقارن آمدن آسمان‌ها و زمین در آیه ۳۳ سوره الرحمن را به دلیل نشان دادن احاطه خداوند بر همه جهات و عدم امکان فرار از آنها ذکر کرده‌اند. بنابراین سه احتمال برای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

مقصود از زمین در آیه ۳۳ قابل ذکر است. نخست آن که مراد، زمینِ دنیا در هنگام برانگیخته شدن مردگان باشد، یا این که منظور زمین محشر است که در قرآن ساهره نامیده شده است (النازعات، ۱۴)، و یا برای مبالغه در سیطره و احاطه بر همه جهات باشد (ابن عاشور، ۲۴۱/۲۷).

آیه ۳۵ نیز همان سیاق آیه قبل را ادامه می‌دهد و جلوه دیگری از ناتوانی جنیان و انسان‌ها را به تصویر می‌کشد: «**يُرْسَلُ عَلَيْكُما شُواظٌ مِنْ نارٍ وَ نُحاسٌ فَلا تَنْتَصِران**» شعله‌هایی از آتش بی‌دود، و دودهایی متراکم بر شما فرستاده می‌شود؛ و نمی‌توانید از کسی یاری بطلبید.

«شواظ» به معنای شعله‌های بدون دود است (ابن ازرق، ۴۸؛ فراهیدی، ۹۵۴/۲؛ جوهری، ۱۱۷۳/۳)، و «نُحاس» به معنای دود بدون شعله می‌باشد (ابن ازرق، ۵۲؛ جوهری، ۹۸۱/۳؛ ابن فارس، ۴۰۱/۵). در برخی کتب لغت علاوه بر معنای ذکر شده، «نُحاس» را به مس گداخته یا سرب مذاب نیز معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۷۶۵/۳؛ ابن سیده، ۲۰۰/۳).

«تَنْتَصِران» از باب افتعال است و به یاری رساندن طرفینی دلالت دارد و در این آیه بدین معناست که شما دو گروه نخواهید توانست یکدیگر را نصرت برسانید و بلا را از خود دور کنید، زیرا در آن روز همه اسباب از کار می‌افتد و هیچ حافظی جز خداوند وجود ندارد (طباطبایی، ۱۰۷/۱۹).

آیه ۳۷ بیانگر وضعیت آسمان در روز حساب است و مؤیّد آن است که این آیات (۳۱ تا ۳۷ سوره الرحمن) مربوط به روز قیامت هستند: «**فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّماءُ فَكانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهانِ**» پس آن‌گاه که آسمان بشکافد و همانند چرم سرخ یا روغن مذاب گلگون گردد.

روایاتی که ذیل آیه ۳۳ سوره الرحمن وارد شده است نیز بیانگر آن است که این آیه مربوط به روز قیامت و دارای لسانی تعجیزی است و مراد از آن نشان دادن احاطه و قدرت خداوند در آن روز و آشکار کردن ضعف انس و جن در فرار کردن از سلطه الهی و عذاب روز حساب می‌باشد. امام صادق﵇ در حدیثی در همین رابطه می‌فرماید: هرگاه روز

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

قیامت شود خداوند تمام بندگان را در یک زمین جمع کند و آن چنانست که به آسمان دنیا وحی فرماید که هرکس در تو است پایین فرست، پس اهل آسمان دنیا دو برابر آنچه در زمین است از جنیان و آدمیان و فرشتگان فرود آیند، سپس اهل آسمان دوّم دو برابر همه آنها فرود آیند پس پیوسته اهل آسمان‌ها یکی بعد از دیگری فرود آیند تا اینکه اهل هفت آسمان همگی هبوط نمایند، پس جنیان و آدمیان در میان هفت فوج و حجاب از فرشتگان احاطه می‌شوند، سپس منادی ندا می‌کند ای گروه جنّ و انس اگر قدرت و نیرو دارید از اطراف آسمان‌ها و زمین فرار کنید، و در این زمان می‌بینند که هفت فوج از فرشتگان گرداگرد ایشان را فراگرفته‌اند (طبرسی، ۳۱۱/۹؛ فیض کاشانی، ۱۱۱/۵). روایت دیگری با همین مضمون در تفسیر قمی و نورالثقلین نیز نقل شده است (قمی، ۷۷/۲؛ حویزی، ۱۹۵/۵).

قول دیگری نیز از برخی مفسران در تفسیر آیه ۳۳ سوره الرحمن نقل شده است که این آیه را مربوط به لحظه جان دادن و فرار از مرگ دانسته‌اند، به این بیان که: اگر می‌توانید، از اطراف آسمان‌ها و زمین خارج شوید، اما توانایی گریختن از قضای الهی را ندارید و هر کجا که باشید مرگ شما را خواهد گرفت (طبری، ۸۰/۲۷؛ طبرسی، ۳۱۰/۹؛ طوسی، ۴۷۴/۹). این قول به لحاظ هماهنگی با معنای لغوی مفردات آیه و همچنین سیاق درونی آیه که تحدی و تعجیز است، قولی موجّه است، اما مربوط دانستن آیه ۳۳ با احوالات روز حساب، با توجه به سیاق کلی آیات که بیانگر حوادث روز قیامت است، مناسب‌تر به نظر می‌رسد، هرچند جمع میان این دو قول نیز امکان‌پذیر است.

نتایج مقاله

۱- برخی از مفسران و محققان عرصه علوم قرآنی براساس علوم تجربی و دست آورده‌های معاصر بشری، آیه ۳۳ سوره الرحمن را ناظر به دست‌یابی انسان به فضا و سفر به کرات دیگر دانسته‌اند و این آیه را یک پیشگویی و از معجزات علمی قرآن به شمار آورده‌اند. این برداشت از آیه از دو جهت قابل تأمل می‌باشد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

۲- جهت اول به لحاظ مفردات و سیاق درونی آیه است. به‌کارگیری ماده «نفوذ» در صعود به فضا، استعمالی معاصر و مستحدث است که تحت تاثیر علوم جدید رایج شده است، لذا بهره‌گیری از این کاربردِ مادهِ «نفوذ» برای فهم معنای آیه، صحیح نیست. به بیان دیگر حمل ماده «نفوذ» بر صعود و رسیدن به آسمان ناشی از یک سوء برداشت و غفلت از معنای اصلی این ماده است. دقت در معنای ریشه «نَفَذَ» و کلمه «اقطار» ما را به فهم صحیح از آیه رهنمون می‌کند. «نَفَذَ» در لغت به معنای خروج و گذشتن از یک چیز است و «اقطار» به معنای گوشه، اطراف و محدوده شئ است. بر این اساس نفوذ از اقطار آسمان و زمین به معنای خروج از اطراف و محدوده‌های آنهاست. ضمن این که اگر مقصود آیه رسیدن انسان به آسمان و سفر به سیارات دیگر بود، باید ماده «عروج» و یا «صعود» مورد استفاده قرار می‌گرفت.

۳- سیاق درونی نیز حاکی از آن است که مراد از آیه نشان دادن قدرت و سلطه خداوند و عجز انسان در خروج از سیطره و ملک الهی است، لذا استثناء ذکر شده در آیه حقیقی نیست و باید در سیاق تحدی و تعجیز معنا شود. ضمن این که اگر مقصود آیه اشاره به سفرهای فضایی باشد، این معنا اولاً با خطاب آیه که جن و انس را مخاطب قرار می‌دهد ناسازگار، زیرا جنیان برای رفتن به آسمان نیازی به فناوری‌های فضایی ندارند و قبل از بوجود آمدن چنین پیشرفت‌هایی به آسمان دست رسی داشته‌اند، و ثانیاً بر فرض قبول این ادعا، آیه ۳۵ سوره الرحمن بر عدم توانایی بشر در فائق آمدن بر مخاطرات سفرهای فضایی دلالت دارد.

۴- جهت دومی که موجب وصول به مقصود آیه می‌شود، تأمل در آیات قبل و بعد آیه ۳۳ سوره الرحمن و لحاظ سیاق کلی آیات مرتبط با این آیه است. آیات ۳۱ تا ۳۷ این سوره مربوط به روز قیامت و حساب‌رسی در آن روز است. به عبارت دیگر مراد این آیات بیان احاطه خداوند بر انس و جن، و ضعف و عجز این دو گروه در فرار از روز جزاء و دادگاه عدل الهی است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، محقق: علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن‌اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، محقق: محمودمحمد طناحی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
۴. ابن بابویه(صدوق)، محمد بن علی، الأمالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۵. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغه، بیروت: دارالعلم للملایین. ۱۹۸۷م.
۶. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحیط الأعظم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۷. ابن عاشور، محمدطاهر، التحریر و التنویر، بیروت، موسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۸. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، محقق: عبدالسلام محمدهارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بی‌تا.
۱۰. ابوحجر، احمد عمر، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، بیروت، دار المدار الاسلامی، بی‌تا.
۱۱. امین (بانو مجتهده)، نصرت بیگم، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، بی جا، ۱۳۶۲ش.
۱۲. بیضاوی، عبد الله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التاویل، محقق: محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۳. جوهری، اسما عیل بن حماد، الصحاح، محقق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۴ق.
۱۴. حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، محقق: هاشم رسولی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۵. الخطیب، عبد الغنی، اضواء من القرآن علی الانسان، دمشق، مکتبه دار الفتح، ۱۳۹۰ق.
۱۶. رازی، (ابوالفتوح) حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۱۷. رازی، (فخر) محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۹ق.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، مصحح: صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۹. رضایی اصفهانی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن کریم، قم، اسوه، ۱۳۷۵ش.
۲۰. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، محقق: مصطفی حسین احمد، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۱. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، بیان السعاده فی مقامات العباده، بیروت، موسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸.
۲۲. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۳. همو، تفسیر الجلالین، بیروت، موسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ق.
۲۴. صادقی تهرانی، محمد، ترجمان فرقان، قم، شکرانه، ۱۳۸۸ش.
۲۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، محقق: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۷. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری)، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۲۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵ش.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، التبیان، فی تفسیر القرآن، محقق: احمد حبیب عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۳۰. شریف، عدنان، من علم الفلک القرآنی، بیروت، دارعلم للملایین، ۲۰۰۱م.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

۳۱. شنقیطی، محمد امین، اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، محقق: مهدی المخزومی، قم، موسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
۳۳. فضل الله، سیدمحمد حسین، من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک. ۱۴۱۹ق.
۳۴. الفندی، محمدجمال‌الدین، السموات السبع، بی‌جا، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۷۳م. (به نقل از التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان)
۳۵. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۱۴ق.
۳۶. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۳۷. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحکام القرآن، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۶۴ش.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، محقق: طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳ش.
۳۹. کاشانی (فیض)، محمد بن مرتضی، الصافی فی التفسیر، مصحح: حسین اعلمی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: دار الحدیث، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.
۴۱. مصباح‌یزدی، محمدتقی، جهان‌شناسی (معارف قرآن۲)، تحقیق و تصحیح: حمید آریان، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰ش.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۴۳. نوفل، عبدالرزاق، القرآن و العلم الحدیث، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۴ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]